

بررسی میزان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتابهای فارسی در حوزه‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم کاربردی و علوم محض

دکتر رحمت الله فتاحی^۱

شعله ارسطوپور^۲

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی میزان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های به کار رفته در عنوان و فهرست مندرجات کتابهای فارسی با استفاده از روش تحلیل محتوا صورت پذیرفته است. از میان ۸۸۴۵۹ کتاب، ۴۷۲ اثر به عنوان نمونه انتخاب و کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات آنها استخراج گردید. پس از مقایسه کلیدواژه‌ها با فهرست سرعنوانهای موضوعی فارسی، مشخص گردید: ۱- از نظر همخوانی کامل سرعنوانهای موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتابهای فارسی، تفاوت معناداری میان حوزه‌های موضوعی مورد بررسی به چشم می‌خورد. ۲- از نظر همخوانی نسبی و نبود همخوانی میان سرعنوانهای موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتابها، میان حوزه‌های مورد بررسی تفاوت معناداری وجود ندارد. ۳- از نظر همخوانی کامل و همخوانی نسبی کلیدواژه‌های عنوان با کلیدواژه‌های فهرست مندرجات کتابهای فارسی، میان حوزه‌های مورد بررسی تفاوتی معنادار وجود دارد. ۴- از نظر همخوانی نبودن کلیدواژه‌های عنوان با کلیدواژه‌های فهرست مندرجات تفاوت معناداری میان حوزه‌های مورد بررسی وجود ندارد. کلیدواژه‌ها: سرعنوانهای موضوعی فارسی، کلیدواژه‌های عنوان، کلیدواژه‌های فهرست مندرجات.

۱. دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. دانشجوی دوره دکترای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

مسئله ایجاد یک نظام برای به هم نزدیک‌سازی ذهنیت پدیدآورنده، استفاده‌کننده و فهرست‌نویس، از مسائل مهم در امر تدوین سرعنوانهای موضوعی است. تدوین چنین نظامی در نهایت به ایجاد دسترسی موضوعی مناسب به بخشی از منابع کتابخانه منجر می‌شود. دسترسی موضوعی مناسب، به معنای ایجاد شرایط لازم از نظر زبان و واژگان اختصاص یافته است؛ واژگانی که به کاربر در کاوش منابع یاری رساند (مک ایوان، ۱۳۷۹، ۴۹). حال، مشکل از این‌جا آغاز می‌شود که بسیاری از سرعنوانهای موضوعی گاه در برخی زمینه‌ها بسیار ضعیف عمل می‌کنند؛ بدین معنا که آنها نه تنها قادر نیستند واژه‌ها و عبارتهای مناسب زبان پدیدآورندگان آثار را پیشنهاد کنند، بلکه شرایط دسترسی موضوعی مناسب با نیاز استفاده‌کننده را نیز فراهم نمی‌کنند. نتایج معدودی از تحقیقات نشان می‌دهند بازیابی‌های مبتنی بر کلیدواژه‌ها نتایج به مراتب بهتری نسبت به استفاده از سرعنوانهای موضوعی برای کاربران در بر دارد. برخی از پژوهشگران اصولاً کاربرد کلیدواژه‌ها را در پایگاهها مؤثرتر از واژگان مهار شده دانسته‌اند (شاپوری، ۱۳۷۹؛ Gross & Taylor, 2005).

مسئله دانش حوزه‌ای از طریق مطالعه حوزه‌ای حاصل می‌شود. بنابراین، می‌توان مطمئن بود درصد بالایی از واژگانی که توسط کاربران فهرست برای جستجو به کار می‌روند، واژگانی هستند که در مجموعه دانش مکتوب آن حوزه کاربرد داشته و کتاب یکی از محملهای دانشی هر حوزه است. تحقیقات متعددی در تأیید این مطلب صورت گرفته است که «وایلدرموث»^۱ ضمن برشمردن برخی از آنها، تأکید می‌کند دانش حوزه‌ای افراد که عموماً برگرفته از متون تخصصی است، نقش عمده‌ای در انتخاب واژگان جستجو دارد (Wildermuth, 2004). حال، چنانچه فهرست‌نویس رابط میان منابع مکتوب و استفاده‌کنندگان باشد، بهتر است از واژگانی استفاده کند که نه تنها در منابع مکتوب عملاً به کار رفته (و به عبارتی دارای ضمانت ادبی^۲ باشد) بلکه در میان کاربران متخصص نیز

-
1. Wildermuth
 2. Literary Warrant.

_____ بررسی میزان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی با ... / ۵۹

کاربرد داشته باشد (به بیان دیگر، ضمانت استفاده^۱ توسط کاربران در جستجو را دارا باشد). تنها در این صورت است که ارتباط مناسب اثر با خواننده از طریق واژگان موضوعی برقرار خواهد شد. نظر بر اینکه عنوان و فهرست مندرجات کتابها مهمترین منابع برای بازنمون محتوای آثار هستند و در واقع زبان مورد استفاده و رویکرد پدیدآورندگان و گاه استفاده کنندگان را نشان می دهند، مسئله اساسی پژوهش حاضر این است که مشخص نیست میزان همخوانی میان سرعنوانهای موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های موجود در عنوان و فهرست مندرجات کتابهای فارسی چگونه است؟ نیز تفاوت این همخوانی در حوزه‌های موضوعی مختلف چیست؟ همچنین، مشخص نیست که در صورت نبود همخوانی میان سرعنوانهای موضوعی با عنوان و فهرست مندرجات کتابها، چگونه و تا چه میزان ارجاعهای مناسب برای جبران نبود همخوانی در نظر گرفته شده است.

سؤالهای پژوهش

- پژوهش حاضر با توجه به مسئله مطرح شده، در پی پاسخگویی به ۳ سؤال اساسی است:
۱. آیا میان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های عنوان کتابهای فارسی در حوزه‌های مورد بررسی تفاوت معناداری وجود دارد؟
 ۲. آیا میان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های فهرست مندرجات کتابهای فارسی در حوزه‌های مورد بررسی، تفاوت معناداری وجود دارد؟
 ۳. آیا میان میزان همخوانی کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتابها در حوزه‌های موضوعی مورد بررسی تفاوت معناداری وجود دارد؟
- پژوهش حاضر به سؤالهای زیر نیز پاسخگو خواهد بود:
- میزان همخوانی کامل میان سرعنوانهای موضوعی پذیرفته شده و کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات در حوزه‌های مورد بررسی چگونه است؟

1. Use Warrant.

- میزان همخوانی نسبی میان سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات در حوزه‌های مورد بررسی چگونه است؟
- میزان نبود همخوانی میان سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات در حوزه‌های مورد بررسی چگونه است؟

مروری بر پژوهشهای انجام شده

به عنوان یکی از پیشگامان در این حوزه، «کرایست»^۱ (۱۹۷۲) با انجام پژوهشی، تشابه کلیدواژه‌های علوم اجتماعی با سرعنوانهای موضوعی کتابخانه کنگره و چگونگی تأثیر این امر را در بازایی آن منابع بررسی نمود و در نهایت با بیان این که سرعنوانهای موضوعی کنگره ۲۴٪ از واژه‌های مفهومی رایج در حوزه علوم اجتماعی را شامل نمی‌شود، بیان داشت که نبود یک فهرست منسجم سرعنوان موضوعی جامع بدین معناست که جستجوگر حتی قادر نیست به جستجوی متون بپردازد.

«فراست»^۲ (۱۹۸۹) نیز به بررسی میزان همپوشانی سرعنوانهای موضوعی کتابخانه کنگره و واژه‌های استخراج شده از عنوان ثبت شده در پیشینه‌های کتابشناختی فهرست کتابهای کتابخانه دانشگاه میشیگان پرداخت. یافته‌های این پژوهش بیانگر این مطلب بود که ۷۳٪ واژه‌های عنوان، با تمام یا حداقل بخشی از سرعنوان یا تقسیمات فرعی همپوشانی دارد.

«وایز»^۳ (نقل در بزرگی، ۱۳۷۷، ۳۱) میزان روزآمد بودن سرعنوانهای موضوعی کنگره را مورد بررسی قرار داد. به منظور سنجش میزان روزآمدی، وی سرعنوانهای موضوعی را با واژگان کتابهای تازه منتشر شده مقایسه نمود. معیار مقایسه وی سه درجه ای بود: ۱- تطبیق کامل ۲- تطبیق بخشی از سرعنوان ۳- عدم تطبیق. پژوهش وی نشان داد تطبیق کامل در حد ۴۱٪، تطبیق نسبی ۵۲٪ و عدم تطبیق ۸٪ می‌باشد.

1. Christ.
2. Frost.
3. Cheryl Wise.

_____ بررسی میزان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی با ... / ۶۱

«کلر»^۱ (۱۹۹۲) با رویکردی کاملاً متفاوت، به امکان سنجی استفاده از سرعنوانهای موضوعی جهت سازماندهی مفهومی پایان نامه ها پرداخت که با تحلیل محتوای پیشینه های هر یک از آنها و مقایسه کلیدواژه‌های عنوانها با اولین سرعنوان اختصاص یافته ۶۴٪ هماهنگی دیده شد.

واژه‌های به کار رفته در فهرست مندرجات کتابها نیز یکی دیگر از مباحث مورد توجه پژوهشگران بوده است. در این میان «وینکه»^۲ (۱۹۹۸) با هدفی مشابه هدف «وایز»، میزان محتوانمایی فهرست مندرجات کتابهای انگلیسی را بررسی نمود. هدف اصلی او، سنجش این مسئله بود که آیا محتوانمایی عبارت‌ها و واژگان به کار رفته در فهرست مندرجات کتابها به اندازه ای هست که بتوان آنها را در پیشینه های کتابشناختی به کار برد. در نهایت، نتیجه پژوهش وی بیانگر این مطلب بود که ۹۲/۷۵ درصد از فهرست مندرجات کتابها، در برگیرنده واژگانی هستند که به نوعی در سرعنوانهای موضوعی مطرح نشده اند و می توان آنها را به منزله مکملی برای سرعنوانهای موضوعی کنگره به کار برد.

همانند «فراست» (۱۹۸۹)، در سال ۲۰۰۳ نیز پژوهشی موردی توسط «مک کلان»^۳ (McClellan, 2003) روی پایگاه OCLC صورت گرفت. در این پژوهش ۲۳۲ مورد کتابهای کمیاب موجود در کل پایگاه به عنوان جامعه آماری انتخاب شد. برای این پیشینه ها ۷۹۱ سرعنوان - شامل ۴۲۸ سرعنوان اصلی و ۳۶۳ سرعنوان فرعی - مطالعه شد که از این میان، کلید واژه‌های ۶۹ مورد با واژگان اختصاص یافته به آنها همخوانی نداشت. یافته‌ای که با توجه به کوچک بودن جامعه، جالب توجه بود.

در ایران، «بزرگی» (۱۳۷۰) میزان سازگاری موضوعها و عنوانها در کتابهای فارسی را مورد سنجش قرار داد. در این پژوهش، ۱۲۷۰ عنوان کتاب فارسی بررسی شد که نتایج آن حاکی از آن بود که بیشترین سازگاری میان عنوانها و موضوعها مربوط به رده ۴۰۰ در رده بندی دیویی (زبان) است که میزان آن ۹۰٪ برآورد گردید. از طرفی، کمترین میزان هماهنگی مربوط به رده ادبیات با ۳۶٪ سازگاری بود.

-
1. Keller.
 2. Winke.
 3. Mc Clellan.

«بزرگی» (۱۳۷۷) در راستای پژوهش پیشین خود، به بررسی میزان همخوانی موضوعهای کتابهای فارسی منتشر شده با عناوین آنها در بازه زمانی ۱۳۶۵ - ۱۳۷۵ پرداخت. وی در نهایت به این نتیجه رسید که میان موضوعات و عنوانهای کتابهای فارسی به صورت میانگین ۷۳٪ همخوانی وجود دارد. به صورت تفکیک شده، بیشترین همخوانی در گروه کلیات با ۸۷٪ و سپس علوم کاربردی با ۸۳٪ می‌باشد. این در حالی است که کمترین میزان سازگاری در رده ادبیات با ۴۱٪ به چشم می‌خورد.

روش پژوهش و جامعه آماری

این پژوهش از نوع کاربردی بوده و در بررسی واژگان عنوان و فهرست مندرجات کتابهای فارسی در جامعه مورد پژوهش، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. البته، با توجه به برخی محدودیتها، از ۲۱ رده موجود کنگره، تعدادی از رده‌ها کنار گذاشته شده و در نهایت ۱۳ رده از رده‌های کتابخانه کنگره برای نمونه‌گیری کتابها مورد بررسی قرار گرفته است. این رده‌ها به ترتیب عبارتند از: B, C, D, G, H, J, K, L, Q, S, T, Z. با انجام جستجو در آخرین لوح فشرده کتابشناسی ملی مربوط به سال ۱۳۸۴ و همچنین به منظور اطمینان از درستی تعداد نهایی، در وب سایت کتابخانه ملی، تعداد نهایی اعضای جامعه آماری این پژوهش، ۸۸۴۵۹ عنوان کتاب بود. این رده‌ها به چهار حوزه کلی علوم محض شامل (Q) / علوم کاربردی شامل (S,T) / علوم انسانی شامل (B, C, D) با / علوم اجتماعی شامل (BF, G, H, J, K, L, Z) ، دسته‌بندی شده و حجم نمونه برابر ۳۸۳ عنوان کتاب برآورد گردید. با استفاده از روش اختصاص سهمیه‌ای حجم نمونه به حوزه‌های مختلف موضوعی مشخص و به منظور اطمینان از کفایت داده‌ها، حجم نمونه حوزه‌هایی که تعداد کتابهای آنها کمتر از ۱۰۰ مورد بود، هر یک به ۱۰۰ مورد افزایش یافت.

۱. به واسطه ماهیت روانشناسی، به صورت قراردادی در گروه علوم اجتماعی در نظر گرفته خواهد شد.

_____ بررسی میزان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی با ... / ۶۳

ابزار و روش گردآوری داده‌ها

این پژوهش بر مبنای یک سیاهه واری انجام شده است. کد بندی و تدوین سیاهه واری به عنوان روش سنجش میزان همخوانی کلیدواژه‌های متن مدارک با واژگان سرعنوانهای موضوعی، تا کنون توسط محققان داخلی و خارجی استفاده شده و به کارگیری این روش به منزله یکی از راههای سنجش میزان همخوانی کلیدواژه‌های متن مدارک با واژگان مهار شده، قبول عام یافته است (بزرگی، ۱۳۷۷ و Frost, 1989; Wise, 1989). سیاهه واری مورد استفاده در این پژوهش، براساس ۳ سیاهه واری از سه پژوهش مختلف تدوین گردید.

یافته‌های پژوهش

با استفاده از داده‌های گردآوری شده، نتایج و یافته‌های مرتبط با سؤالهای اصلی پژوهش بدین ترتیب است:

سؤال اول پژوهش درباره تفاوت معنادار میان حوزه‌های مورد بررسی از نظر میزان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های عنوان کتابهای فارسی بوده است که داده‌های جدول شماره ۱ بیانگر وجود و یا نبود تفاوت معنادار از نظر میزان همخوانی است.

جدول ۱. بررسی وجود تفاوت معنادار میان حوزه‌های موضوعی مورد بررسی از نظر چگونگی همخوانی سرعنوانهای موضوعی با کلیدواژه‌های عنوان

P	df	Chi	جمع	علوم کاربردی	علوم محض	علوم انسانی	علوم اجتماعی	
۰/۰۰۱	۳	۱۶/۶۴۰	۳۰۶ (%۱۰۰)	۴۱ (%۱۳/۴)	۶۴ (%۲۰/۹)	۱۲۴ (%۴۰/۵)	۷۷ (%۲۵/۲)	همخوانی کامل
۰/۱۶۹	۳	۵/۰۴۰	۲۵۷ (%۱۰۰)	۴۶ (%۱۷/۹)	۵۸ (%۲۲/۶)	۸۵ (%۳۳/۲)	۶۸ (%۲۶/۵)	همخوانی نسبی
۰/۳۴۰	۳	۳/۳۵۶	۳۷۵ (%۱۰۰)	۸۵ (%۲۲/۶)	۷۰ (%۱۸/۷)	۱۰۵ (%۲۸)	۱۱۵ (%۳۰/۷)	نبود همخوانی

داده‌های جدول ۱ بیانگر آن است که از نظر همخوانی کامل سرعنوانهای موضوعی با کلیدواژه‌های عنوان، تفاوتی معنادار میان حوزه‌های موضوعی مختلف وجود دارد، در حالی که از نظر همخوانی نسبی و نبود همخوانی سرعنوانها با کلیدواژه‌های عنوان، میان حوزه‌های موضوعی مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین، از نظر همخوانی کامل، با توجه به اینکه در میان حوزه‌های موضوعی موجود، حوزه علوم انسانی با ۴۰/۵٪ بیشترین میزان را به خود اختصاص می‌دهد، می‌توان بیان داشت که در شرایط کنونی، برای انتخاب اصطلاحهای پذیرفته شده در تدوین سرعنوانهای موضوعی در حوزه علوم انسانی، نسبت به سایر حوزه‌ها در استفاده از کلیدواژه‌های عنوان کتابها توجه بیشتری می‌شود. در همین راستا، پس از علوم انسانی، به ترتیب علوم اجتماعی با ۲۵/۲٪، علوم محض با ۲۰/۹٪ و علوم کاربردی با ۱۳/۴٪ در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، از نظر میزان توجه تدوین کنندگان سرعنوانهای موضوعی فارسی به کلیدواژه‌های عنوان کتابها، به منزله پایه ای برای ساخت موضوعهای پذیرفته شده، در حوزه علوم انسانی نسبت به سایر حوزه‌ها موفق تر عمل شده است. این در حالی است که با توجه به نبود تفاوت معنادار میان حوزه‌های موضوعی مختلف از نظر نبود همخوانی، نمی‌توان بیان داشت از نظر انطباق نسبی سرعنوانهای منتخب و ارجاعهای آنها با کلیدواژه‌های مورد استفاده در عنوان کتابها، تدوین کنندگان سرعنوانهای موضوعی در کدام حوزه موفق تر عمل کرده‌اند. به عبارت دیگر، میزان نبود همخوانی در کدام حوزه موضوعی کمتر از سایر موارد است. تفاوت نتایج پژوهش حاضر در مقایسه با پژوهشهای مشابه، می‌تواند به واسطه تفاوت در گروه بندی داده‌های گردآوری شده باشد. وایز (نقل در بزرگی، ۱۳۷۷، ۳۱) میزان همخوانی کامل را ۴۱٪ دانسته است، در حالی که بزرگی (۱۳۷۷) میزان «همخوانی» را ۸۷٪ در گروه کلیات، ۸۳٪ در گروه علوم کاربردی و ۴۱٪ در حوزه ادبیات برآورد نموده است.

سؤال دوم پژوهش در باره تفاوت معنادار میان حوزه‌های مورد بررسی از نظر میزان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های فهرست مندرجات کتابهای فارسی بوده که داده‌های جدول ۲ بیانگر وجود و یا نبود تفاوت معنادار از نظر میزان همخوانی است.

بررسی میزان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی با ... / ۶۵

جدول ۲. بررسی وجود تفاوت معنادار میان حوزه‌های موضوعی مورد بررسی از نظر چگونگی

همخوانی سرعنوانهای موضوعی با کلیدواژه‌های عنوان

P	df	Chi	جمع	علوم کاربردی	علوم محض	علوم انسانی	علوم اجتماعی	
.۰/۰۰۱	۳	۱۶/۶۶۳	۱۳۸۷ (%۱۰۰)	۱۷۷ (%۱۲/۷)	۲۵۸ (%۱۸/۶)	۵۵۰ (%۳۹/۷)	۴۰۲ (%۲۹)	همخوانی کامل
.۰/۱۵۸	۳	۵/۲۰۰	۱۲۱۵ (%۱۰۰)	۲۱۷ (%۲۰/۹)	۲۵۹ (%۲۱/۱)	۳۹۲ (%۲۴/۱)	۳۴۷ (%۲۴/۳)	همخوانی نسبی
.۰/۹۹۴	۳	.۰/۰۸۰	۲۷۲۰ (%۱۰۰)	۶۴۴ (%۲۲)	۷۱۲ (%۵۷/۹)	۶۸۶ (%۲۵/۱)	۶۷۸ (%۴۷/۵)	نبود همخوانی

داده‌های جدول ۲ نیز مشابه جدول ۱، بیانگر آن است که میان حوزه‌های موضوعی مختلف از نظر همخوانی کامل تفاوتی معنادار وجود دارد. در حالی که از نظر همخوانی نسبی و نبود همخوانی، میان هیچ یک از حوزه‌های موضوعی تفاوت معناداری به چشم نمی‌خورد.

با توجه به بالاتر بودن میزان همخوانی کامل در حوزه علوم انسانی (%۳۹/۷)، چنین نتیجه‌ای می‌تواند بیانگر آن باشد که در وضعیت کنونی از نظر همخوانی کامل سرعنوانهای موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های فهرست مندرجات کتابها، حوزه علوم انسانی وضعیت بهتری نسبت به دیگر حوزه‌ها دارد. به عبارت دیگر، تدوین کنندگان سرعنوانهای موضوعی فارسی در حوزه علوم انسانی نسبت به کلیدواژه‌های موجود در فهرست مندرجات کتابها نیز برای ساخت موضوعات پذیرفته شده توجه بیشتری نشان داده‌اند. این در حالی است که درست همانند داده‌های جدول ۱، نبود تفاوت معنادار از نظر همخوانی نسبی میان حوزه‌های موضوعی مختلف، می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که در وضعیت کنونی از نظر همخوانی نسبی سرعنوانهای موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های فهرست مندرجات، هیچ یک از حوزه‌های موضوعی مورد بررسی وضعیت بهتری نسبت به دیگر حوزه‌ها ندارد. به عبارت دیگر، نمی‌توان بیان داشت که تدوین کنندگان سرعنوانهای موضوعی فارسی در این زمینه در یک حوزه خاص موفق‌تر عمل کرده‌اند. بنابراین، نتیجه نهایی با توجه به داده‌های جدولهای ۱ و ۲، مبین عملکرد نسبتاً موفق تدوین کنندگان

سرعنوانهای موضوعی در راستای اجرای اصل ضمانت ادبی در حوزه علوم انسانی و پس از آن در حوزه علوم اجتماعی در سطح سرعنوانهای موضوعی فارسی است. این در حالی است که نمی‌توان در نهایت بیان داشت میزان نبود همخوانی در کدام حوزه موضوعی کمتر بوده است. لازم به توضیح است، تفاوت یافته‌های مرتبط با این سؤال میان پژوهش حاضر و پژوهشهای «بزرگی» (۱۳۷۷)، «وایز» (نقل در بزرگی، ۱۳۷۷، ۳۱)، «فراست» (۱۹۸۹) و یا «کلر» (۱۹۹۲) را می‌توان به این دلیل دانست که کلیدواژه‌های مورد بررسی در تمام پژوهشهای مذکور، مربوط به عنوان مدارک بوده‌اند.

سؤال سوم پژوهش در باره تفاوت معنادار میان حوزه‌های مورد بررسی از نظر میزان همخوانی کلیدواژه‌های عنوان با کلیدواژه‌های فهرست مندرجات کتابهای فارسی بوده که داده‌های جدول شماره ۳ بیانگر وجود و یا نبود تفاوت معنادار از نظر میزان همخوانی است. جدول ۳. بررسی وجود تفاوت معنادار میان حوزه‌های موضوعی مورد بررسی از نظر چگونگی همخوانی کلیدواژه‌های عنوان با فهرست مندرجات کتابهای فارسی

P	df	Chi	جمع	علوم کاربردی	علوم محض	علوم انسانی	علوم اجتماعی	
۰/۰۰۶	۳	۱۲/۳۲۰	۳۴۴ (%۱۰۰)	۸۰ (%۱۷/۹)	۷۰ (%۱۵/۶)	۱۷۲ (%۳۸/۴)	۱۲۶ (%۲۸/۱)	همخوانی کامل
۰/۰۰۶	۳	۱۲/۴۶۵	۱۴۴ (%۱۰۰)	۳۴ (%۲۳/۶)	۱۹ (%۱۳/۲)	۳۷ (%۲۵/۷)	۵۴ (%۳۷/۵)	همخوانی نسبی
۰/۱۲۰	۳	۵/۸۴۰	۴۴۸ (%۱۰۰)	۵۶ (%۱۲/۴)	۱۰۳ (%۲۹/۹)	۱۰۵ (%۳۰/۵)	۸۰ (%۲۳/۳)	نبود همخوانی

داده‌های جدول ۳، از وجود تفاوت معنادار میان چهار حوزه مورد بررسی از نظر میزان همخوانی کامل و نسبی کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتابها حکایت دارد. از نظر میزان همخوانی کامل کلیدواژه‌های عنوان با فهرست مندرجات کتابهای فارسی در حوزه‌های موضوعی مختلف، حوزه علوم انسانی (%۳۸/۴) و حوزه علوم اجتماعی (%۲۸/۱) بیشترین همخوانی کامل را نسبت به سایر حوزه‌ها نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، می‌توان بیان داشت که کلیدواژه‌های عنوان کتابها در این دو حوزه، نسبت به سایر حوزه‌ها، انطباق بیشتری با کلیدواژه‌های فهرست مندرجات آنها دارد. این در حالی است که، از نظر میزان همخوانی نسبی کلیدواژه‌های عنوان با فهرست مندرجات کتابهای

_____ بررسی میزان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی با ... / ۶۷

فارسی در حوزه‌های موضوعی مختلف، حوزه علوم اجتماعی (۳۷/۵٪) و حوزه علوم انسانی (۲۵/۷٪) بیشترین همخوانی را نسبت به سایر حوزه‌ها نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، می‌توان بیان داشت که کلیدواژه‌های عنوان کتابها در این دو حوزه، نسبت به سایر حوزه‌ها، انطباق نسبی بیشتری با کلیدواژه‌های فهرست مندرجات آنها دارند. چنانچه صرف تکرار کلیدواژه‌های عنوان یک کتاب را به هر نحو در فهرست مندرجات همان کتاب، نشان از محتوانمایی مناسب عنوان کتابها در هر حوزه بدانیم، می‌توان بیان داشت که نسبت محتوانمایی عنوان کتابها در این دو حوزه موضوعی بر سایر حوزه‌ها برتری دارد.

با استفاده از داده‌های گردآوری شده، نتایج و یافته‌های مرتبط با سؤلهای فرعی پژوهش بدین ترتیب است:

سؤال چهارم پژوهش درباره میزان همخوانی کامل سرعنوانهای پذیرفته شده با کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات در حوزه‌های مورد بررسی بوده است که داده‌های جدول شماره ۴، بیانگر وجود و یا نبود تفاوت معنادار در هر یک از حوزه‌های موضوعی نیز می‌باشد.

جدول ۴. میزان همخوانی کامل میان سرعنوانهای موضوعی با کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتابهای فارسی در حوزه‌های موضوعی مورد بررسی

P	df	Chi	همخوانی کامل در فهرست مندرجات		همخوانی کامل در عنوان		
			جمع کلیدواژه‌های فهرست مندرجات	جمع کلیدواژه‌های عنوان			
۰/۰۴۲	۱	۴/۱۵۴	۴۰۲ (%۴۷/۵)	۱۴۲۷	۷۷ (%۲۹/۶)	۲۶۰	علوم اجتماعی
۰/۴۸۵	۱	۰/۴۸۰	۵۵۰ (%۳۳/۸)	۱۶۲۸	۱۲۴ (%۳۹/۵)	۳۱۴	علوم انسانی
۰/۱۰۲	۱	۲/۶۶۷	۲۵۸ (%۲۱)	۱۲۲۹	۶۴ (%۳۳/۳)	۱۹۲	علوم محض
۰/۲۷۴	۱	۱/۱۹۵	۱۷۷ (%۱۷/۱)	۱۰۳۸	۴۱ (%۲۳/۸)	۱۷۲	علوم کاربردی

۱. درصدهای فراوانی در این جدول نسبت به کل کلیدواژه‌ها در هر حوزه برای عنوان و فهرست مندرجات سنجیده می‌شوند و به همین خاطر مجموع آنها در این جدول برابر ۱۰۰ نخواهد بود. لازم به توضیح است، درصدهای مذکور نسبت که جمع ارائه شده، در ستون مجاور برآورد شده‌اند.

همان‌گونه که از داده‌های جدول بر می‌آید، میزان همخوانی کامل سرعنوانهای موضوعی با کلیدواژه‌های استخراج شده از عنوان کتابهای حوزه علوم اجتماعی ۲۹/۶٪ و میزان همخوانی کامل میان سرعنوانهای موضوعی و کلیدواژه‌های استخراج شده از فهرست مندرجات همان کتابها ۴۷/۵٪ می‌باشد. در حالی که در حوزه علوم انسانی میزان همخوانی کامل میان سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های عنوان کتابها ۳۹/۵٪ و میزان همخوانی کامل میان سرعنوانهای موضوعی و کلیدواژه‌های فهرست مندرجات آنها ۳۳/۸٪ می‌باشد. همچنین، در حوزه علوم محض، میزان همخوانی کامل سرعنوانهای موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های عنوان کتابها ۳۳/۳٪ و میزان همخوانی کامل سرعنوانهای موضوعی با کلیدواژه‌های فهرست مندرجات کتابها ۲۱٪ و در حوزه علوم کاربردی نیز میزان همخوانی کامل سرعنوانهای موضوعی با کلیدواژه‌های عنوان کتابها ۲۳/۸٪ و میزان همخوانی کامل سرعنوانهای موضوعی با کلیدواژه‌های فهرست مندرجات آنها ۱۷/۱٪ است. یافته‌ها حاکی از آن است که تنها در حوزه موضوعی علوم اجتماعی میان میزان همخوانی کامل سرعنوانهای موضوعی با کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتابها تفاوتی معنادار وجود دارد. به بیان دیگر، نمی‌توان به صورت قطعی اعلام کرد که اصطلاحات پذیرفته شده توسط تدوین‌کنندگان سرعنوانهای موضوعی فارسی، در هر یک از سه حوزه علوم انسانی، علوم محض و علوم کاربردی بیشتر به کلیدواژه‌های عنوان کتابها در این حوزه‌ها نزدیک‌ترند یا به کلیدواژه‌های موجود در فهرست مندرجات. این در حالی است که وجود تفاوت معنادار میان میزان همخوانی کامل سرعنوانهای موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتابهای فارسی در حوزه علوم اجتماعی، می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که در میان کلیدواژه‌هایی که بدون تغییر از عنوان و فهرست مندرجات کتابهای این حوزه به منزله سرعنوان موضوعی پذیرفته شده استخراج می‌شوند، نسبت به کلیدواژه‌هایی که از فهرست مندرجات استخراج شده‌اند به مراتب بیشتر است.

سؤال پنجم پژوهش در باره میزان همخوانی نسبی میان سرعنوانهای موضوعی و کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات در حوزه‌های مورد بررسی بوده که داده‌های جدول شماره ۵ بیانگر وجود و یا نبود تفاوت معنادار در هر یک از حوزه‌های موضوعی نیز هست.

بررسی میزان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی با ... / ۶۹

جدول ۵. میزان همخوانی نسبی میان سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های عنوان در حوزه‌های مورد بررسی

P	df	Chi	جمع	همخوانی نسبی «نگاه کنید به» (انطباق نسبی با ارجاع نسبی)	همخوانی نسبی «نگاه کنید به» (انطباق با ارجاع نسبی)	همخوانی نسبی (تفاوت در مفرد و جمع)	همخوانی نسبی (املائی متفاوت)	همخوانی نسبی (سرعنوان پذیرفته شده با واژه‌های بیشتر یا کمتر از کلیدواژه)	همخوانی نسبی (سرعنوان مقلوب)	
۰/۰۰۰	۵	۹۰/۳۹۰	۶۸	۱۵ (%۲۲/۰۵)	۳۳ (%۴۸/۵۲)	۴ (%۵/۸۹)	۱ (%۱۳/۴۸)	۶ (%۸/۲۴)	۶ (%۸/۸۲)	علوم اجتماعی
۰/۰۰۰	۵	۱۰۰/۴۵۵	۸۵	۱۲ (%۱۴/۱۱)	۴۲ (%۴۹/۴۱)	۲ (%۲/۳۲)	۱ (%۱/۱۸)	۲۱ (%۲۴/۷)	۷ (%۸/۲۴)	علوم انسانی
۰/۰۰۰	۵	۱۲۸/۲۴۰	۵۸	۶ (%۱۰/۳۴)	۳۳ (%۵۶/۹)	۲ (%۳/۴۵)	۵ (%۸/۶۲)	۱۱ (%۱۸/۹۷)	۱ (%۱/۷۲)	علوم محض
۰/۰۰۰	۴	۱۲۸/۳۲۹	۴۶	۱۰ (%۲۱/۷۴)	۲۴ (%۵۲/۱۷)	۳ (%۶/۵۲)	۱ (%۲/۱۸)	۸ (%۱۷/۳۹)	۰ (%۰/۰)	علوم کاربردی

از داده‌های جدول بر می آید که تفاوتی معنادار میان انواع همخوانی نسبی در هر گروه وجود دارد. به بیان دیگر، نسبت هریک از انواع همخوانی نسبی میان سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های موجود در عنوان کتابها در هر یک از چهار حوزه متفاوت است.

همخوانی نسبی در حالت انطباق کامل با ارجاع «نگاه کنید به» در هر چهار حوزه موضوعی مورد بررسی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است (ستون ششم جدول) که نشان می‌دهد برای موضوع‌سازی در حوزه‌های علوم اجتماعی، انسانی، محض و کاربردی، چنانچه کلیدواژه‌های عنوان مناسب استفاده به منزله سرعنوان پذیرفته شده نباشند و یا بیشتر شکل دیگری از موضوع به منزله سرعنوان پذیرفته شده لحاظ شده باشد، به احتمال قوی از آن کلیدواژه‌ها، بدون تغییر، در قالب ارجاع به موضوع پذیرفته شده مربوط، استفاده می‌شود. در حوزه‌های علوم اجتماعی و علوم کاربردی پس از همخوانی نسبی در حالت انطباق کامل با ارجاع «نگاه کنید به»، رتبه دوم به همخوانی نسبی در حالت انطباق نسبی با ارجاع «نگاه کنید به» اختصاص می‌یابد (ستون هفتم جدول)، در حالی که در دو حوزه علوم انسانی و علوم محض، همخوانی نسبی در حالت انطباق با سرعنوان پذیرفته شده

با واژه‌هایی کمتر یا بیشتر از کلیدواژه استخراج شده در رتبه دوم قرار می‌گیرد. در میان سایر انواع همخوانی نسبی، حالت املائی متفاوت کمترین میزان را در هر چهار حوزه موضوعی به خود اختصاص می‌دهد (ستون چهارم جدول).
به منظور تکمیل پاسخ پرسش پنجم، جدول ۶ نیز برای نشان دادن همخوانیهای نسبی میان سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های استخراج شده از فهرست مندرجات در حوزه‌های مورد بررسی، ارائه می‌شود.

جدول ۶. میزان همخوانی نسبی میان سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های فهرست

مندرجات در حوزه‌های مورد بررسی

P	df	Chi	جمع	همخوانی نسبی (انتقال نسبی با ارجاع "نگاه کنید به")	همخوانی نسبی (انتقال با ارجاع "نگاه کنید به")	همخوانی نسبی (تفاوت در مفرد و جمع)	همخوانی نسبی (املائی متفاوت)	همخوانی نسبی (سرعنوان پذیرفته شده با واژه‌هایی بیشتر یا کمتر از کلیدواژه)	همخوانی نسبی (سرعنوان مغلوب)	
۰/۰۰۰	۵	۱۱۴/۷۵۸	۳۴۷	۷۷ (%۲۲/۱۹)	۱۸۵ (%۵۳/۳۱)	۱۹ (%۵/۴۸)	۸ (%۲/۴)	۴۷ (%۱۳/۵۴)	۱۱ (%۳/۱۷)	علوم اجتماعی
۰/۰۰۰	۵	۸۹/۷۲۰	۳۹۲	۶۹ (%۱۷/۶)	۱۷۶ (%۴۴/۹)	۸ (%۲/۰۴)	۱۲ (%۳/۰۶)	۱۱۰ (%۲۸/۰۶)	۱۷ (%۴/۳۴)	علوم انسانی
۰/۰۰۰	۵	۶۱/۴۲۴	۲۵۹	۴۵ (%۱۷/۳۷)	۱۰۹ (%۴۲/۰۸)	۲۵ (%۹/۶۵)	۱۹ (%۷/۳۴)	۵۵ (%۲۱/۲۴)	۶ (%۲/۳۲)	علوم محض
۰/۰۰۰	۵	۳۰/۲۰۰	۲۱۷	۴۴ (%۲۰/۲۸)	۹۲ (%۴۲/۴)	۲۵ (%۱۱/۵۲)	۳ (%۱/۳۸)	۳۶ (%۱۶/۵۹)	۱۷ (%۷/۸۳)	علوم کاربردی

با توجه به داده‌های این جدول، از میان ۱۴۲۷ کلیدواژه استخراج شده از فهرست مندرجات کتابهای حوزه علوم اجتماعی ۳۴۷ مورد (۳/۲۴%)، از میان ۱۶۲۸ کلیدواژه استخراج شده از فهرست مندرجات کتابهای حوزه علوم انسانی ۳۹۲ مورد (۱/۲۴%)، از میان ۱۲۲۹ کلیدواژه استخراج شده از فهرست مندرجات کتابهای حوزه علوم محض ۲۵۹ مورد (۱/۲۱%) و از میان ۱۰۳۸ کلیدواژه استخراجی از فهرست مندرجات کتابهای حوزه علوم کاربردی ۲۱۷ مورد (۹/۲۰%) در قالب همخوانی نسبی در آمده‌اند.

داده‌ها و نتایج حاصل از آزمون تفاوت معناداری در این جدول نیز با داده‌ها و نتایج جدول شماره ۵ همراستاست. حجم بیشتر کلیدواژه‌های استخراج شده نسبت به

بررسی میزان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی با ... / ۷۱

کلیدواژه‌های عنوان در قالب همخوانیهای نسبی از یک سو و شباهت اولویت‌های نتایج به دست آمده از سوی دیگر، می‌تواند دلیلی بر این مدعا باشد. به عبارت دیگر، می‌توان با قاطعیت بیشتری بیان داشت که چنانچه اصولاً کلیدواژه‌ای در متون مختلف به منزله یک موضوع در سرعنوانهای موضوعی فارسی در نظر گرفته شود (ویژگی نبود همخوانی در باب آن صدق نکند) اما همخوانی کاملی میان آن کلیدواژه و اصطلاح پذیرفته شده معادل آن موضوع وجود نداشته باشد، احتمال در نظر گرفتن کلیدواژه مذکور در ساختار ارجاعی سرعنوانهای موضوعی در دو حوزه علوم اجتماعی و علوم کاربردی بیش از سایر حوزه‌هاست؛ یعنی، چنانچه تدوین کنندگان سرعنوانهای موضوعی در دو حوزه مذکور، کلیدواژه‌ای خاص را مناسب پذیرفته شدن ندانند، احتمالاً آن را بدون تغییر و یا با حداقل تغییر (همخوانی نسبی با ارجاع «نگاه کنید به») در قالب ارجاعی به سرعنوان پذیرفته شده مربوط قرار می‌دهند.

سؤال ششم پژوهش در باره میزان نبود همخوانی میان سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات در حوزه‌های مورد بررسی بوده است که داده‌های جدولهای ۸ و ۷، بیانگر وجود و یا نبود تفاوت معنادار در هر یک از حوزه‌های موضوعی نیز هست.

جدول ۷. نبود همخوانی میان سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های عنوان در حوزه‌های موضوعی مورد بررسی

P	df	Chi	جمع	نبود همخوانی کامل	نبود همخوانی (نبود ارجاع)	
۰/۶۸۹	۱	۰/۱۶۰	۱۱۵	۶۰ (%۵۲/۱۷)	۵۵ (%۴۷/۸۳)	علوم اجتماعی
۰/۳۱۷	۱	۱/۰۰۰	۱۰۵	۵۸ (%۵۵/۲۴)	۴۷ (%۴۴/۷۶)	علوم انسانی
۰/۲۳۰	۱	۱/۴۴۰	۷۰	۳۹ (%۵۵/۷۱)	۳۱ (%۴۴/۲۹)	علوم محض
۰/۰۱۶	۱	۵/۷۶۰	۸۵	۵۳ (%۶۲/۳۵)	۳۲ (%۳۷/۶۵)	علوم کاربردی

داده‌ها و نتایج آزمون بررسی تفاوت معنادار، بیانگر نبود تفاوت معنادار میان دو نوع نبود همخوانی در حوزه‌های علوم اجتماعی، علوم انسانی و علوم محض است. در حالی که در حوزه علوم کاربردی، تفاوتی معنادار میان نبود همخوانی در حالت نبود ارجاع با نبود

همخوانی کامل وجود دارد. نبود تفاوت معنادار برای علوم اجتماعی، علوم انسانی و علوم محض بیانگر این مطلب است که در هیچ یک از حوزه‌های موضوعی مذکور، میزان کلیدواژه‌هایی که از نظر واژگانی در سرعنوانهای موضوعی فارسی وجود ندارند اما موضوع مرتبط با آنها در سرعنوانها لحاظ شده است، با میزان کلیدواژه‌هایی که موضوع آنها در فهرست سرعنوانها در نظر گرفته نشده، تفاوت چندانی ندارد. این مسئله نشان می‌دهد در سه حوزه موضوعی پیش گفته، نیاز به تدوین موضوعهای جدید به همان میزان نیاز به تهیه ارجاعهای جدید برای موضوعهای پیشین وجود دارد.

این در حالی است که در حوزه علوم کاربردی، تفاوتی معنادار میان دو نوع نبود همخوانی مشاهده می‌شود. با توجه به نسبت هریک از انواع نبود همخوانی، می‌توان بیان داشت به احتمال در حوزه موضوعی علوم کاربردی، درصد کلیدواژه‌هایی که تا کنون موضوع مرتبط با آنها نیز در فهرست سرعنوانهای موضوعی فارسی وارد نشده، نسبت به مواردی که ارجاعی برای آنها در نظر گرفته نشده، بیشتر است. نظر به اینکه به صورت منطقی کلیدواژه‌های به کار رفته در عنوان کتابها نسبت به کلیدواژه‌های متن و یا فهرست مندرجات عام تر هستند، و نیز با توجه به اینکه نبود موضوع مرتبط با کلیدواژه می‌تواند به منزله نقص محسوب شود، احتمالاً تدوین کنندگان سرعنوانهای موضوعی در این حوزه ضعیف تر عمل کرده اند.

جدول ۸، چگونگی نبود همخوانی را میان سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های استخراج شده از فهرست مندرجات کتابها، مورد بررسی قرار می‌دهد.

جدول ۸. نبود همخوانی میان سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های فهرست مندرجات در حوزه‌های موضوعی مورد بررسی

P	df	Chi	جمع	نبود همخوانی کامل	نبود همخوانی (نبود ارجاع)	
۰/۰۰۹	۱	۶/۷۶۰	۶۷۸	۴۲۶ (%۶۲/۸۳)	۲۵۲ (%۳۷/۱۷)	علوم اجتماعی
۰/۰۳	۱	۹/۰۰۰	۶۸۶	۴۴۸ (%۶۵/۳۱)	۲۳۸ (%۳۴/۶۹)	علوم انسانی
۰/۰۰۰	۱	۴۰/۹۶۰	۷۱۲	۵۸۱ (%۸۱/۶)	۱۳۱ (%۱۸/۴)	علوم محض
۰/۰۰۰	۱	۲۷/۸۱۲	۶۴۴	۴۸۷ (%۷۶/۶۲)	۱۵۷ (%۲۴/۳۸)	علوم کاربردی

بررسی میزان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی با ... / ۷۳

داده‌ها و نتایج آزمون بررسی تفاوت معنادار در این جدول حاکی از وجود تفاوت میان دو نوع نبود همخوانی در هر چهار حوزه موضوعی مورد بررسی است. به بیان دیگر، با توجه به نسبت‌های ارائه شده در جدول، میزان نبود همخوانی کامل میان سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های استخراج شده از فهرست مندرجات کتابها در چهار حوزه موضوعی مورد بررسی، بیشتر از میزان نبود همخوانی در حالت عدم وجود ارجاع است. به عبارت دیگر، در فهرست مندرجات کتابهای حوزه‌های موضوعی مورد بررسی، میزان کلیدواژه‌هایی که در سرعنوانهای موضوعی وجود ندارند و موضوع مرتبط با آنها نیز در سرعنوانهای موضوعی فارسی در نظر گرفته نشده، بیشتر است.

به منظور تکمیل بحث فوق، جدولهای ۹ و ۱۰ جهت بررسی وضعیت کلی میزان همخوانی (کامل، نسبی و نبود همخوانی) سرعنوانهای موضوعی با کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات در هر یک از حوزه‌های موضوعی مورد بررسی، ارائه می‌شود.

جدول ۹. چگونگی همخوانی‌های میان سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های عنوان در حوزه‌های موضوعی مورد بررسی

P	df	Chi	جمع	نبود همخوانی	همخوانی نسبی	همخوانی کامل	
۰/۰۶۹	۲	۵/۳۶۰	۲۶۰	۱۱۵ (%۴۴/۲)	۶۸ (%۲۶/۲)	۷۷ (%۲۹/۶)	علوم اجتماعی
۰/۲۸۱	۲	۲/۵۴۰	۳۱۴	۱۰۵ (%۳۳/۴)	۸۵ (%۲۷/۱)	۱۲۴ (%۳۹/۵)	علوم انسانی
۰/۶۹۱	۲	۰/۷۴۰	۱۹۲	۷۰ (%۳۶/۵)	۵۸ (%۳۰/۲)	۶۴ (%۳۳/۳)	علوم محض
۰/۰۰۴	۲	۱۱/۸۰	۱۷۲	۸۵ (%۴۹/۴)	۴۶ (%۲۶/۷)	۴۱ (%۲۳/۸)	علوم کاربردی

با توجه به نبود تفاوت معنادار میان وضعیت‌های همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های عنوان در حوزه‌های علوم اجتماعی، علوم انسانی و علوم محض، نمی‌توان بیان داشت در کار تدوین سرعنوانهای موضوعی در هر یک از حوزه‌های مورد

نظر، میزان انطباق کامل و یا نسبی سرعنوانهای موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های عنوان متون بیشتر است یا میزان عدم همخوانی آنها با کلیدواژه‌های مذکور.

اما با توجه به وجود تفاوت معنادار در حوزه علوم کاربردی از نظر وضعیت همخوانی سرعنوانهای موضوعی با کلیدواژه‌های عنوان و نیز نظر به این امر که نسبت «نبود همخوانی» در این حوزه بالاتر از میزان هر یک از دو نوع همخوانی دیگر است، می‌توان بیان داشت در حوزه علوم کاربردی، به لحاظ میزان تبعیت اصطلاحهای پذیرفته شده سرعنوانهای موضوعی فارسی و ارجاعهای آنها از کلیدواژه‌های عنوان کتابها، ضعیف‌تر عمل شده است.

جدول ۱۰. چگونگی همخوانی های میان سرعنوانهای موضوعی فارسی و کلیدواژه‌های فهرست مندرجات در حوزه‌های موضوعی مورد بررسی

P	df	Chi	جمع	نبود همخوانی	همخوانی نسبی	همخوانی کامل	
۰/۰۰۷	۲	۹/۹۲۰	۱۴۲۷	۶۷۸ (%۴۷/۵)	۳۴۷ (%۲۴/۳)	۴۰۲ (%۲۸/۲)	علوم اجتماعی
۰/۰۸۷	۲	۴/۸۸۰	۱۶۲۸	۶۸۶ (%۴۲/۱)	۳۹۲ (%۲۴/۱)	۵۵۰ (%۳۳/۸)	علوم انسانی
۰/۰۰۰	۲	۲۷/۳۸۰	۱۲۲۹	۷۱۲ (%۵۷/۹)	۲۵۹ (%۲۱/۱)	۲۵۸ (%۲۱)	علوم محض
۰/۰۰۰	۲	۳۷/۲۲۰	۱۰۳۸	۶۴۴ (%۶۲)	۲۱۷ (%۲۰/۹)	۱۷۷ (%۱۷/۱)	علوم کاربردی

جدول ۱۰، میزان همخوانی های کامل، نسبی و نبود همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های فهرست مندرجات را در حوزه علوم اجتماعی، علوم انسانی، علوم محض و علوم کاربردی نشان می‌دهد. در حوزه علوم انسانی، میان انواع همخوانی کامل، نسبی و نبود همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی با کلیدواژه‌های فهرست مندرجات کتابها تفاوت معناداری وجود ندارد. این در حالی است که با توجه به داده‌های جدول ۴ و نبود تفاوت معنادار میان همخوانی های کامل عنوان و فهرست

_____ بررسی میزان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی با ... / ۷۵

مندرجات در این حوزه، چنین می‌توان برداشت کرد که در شرایط فعلی در تدوین سرعنوانهای موضوعی، میزان توجه به کلیدواژه‌های فهرست مندرجات و عنوان کتابها در حوزه علوم انسانی تقریباً یکسان بوده است. بنابراین، تدوین کنندگان سرعنوانهای موضوعی فارسی در انتخاب اصطلاحهای پذیرفته شده و ایجاد ارجاعهای مربوط به آنها، نسبت به کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتابهای حوزه علوم انسانی، نگاهی نسبتاً یکسان دارند.

وجود تفاوت معنادار میان وضعیتهای همخوانی در هر یک از حوزه‌های علوم اجتماعی، علوم محض و علوم کاربردی و نیز بالاتر بودن درصد نبود همخوانی در هر یک از این حوزه‌ها، می‌تواند بیانگر توجه کمتر تدوین کنندگان سرعنوانهای موضوعی به کلیدواژه‌های به کار رفته در فهرست مندرجات کتابهای حوزه‌های یاد شده باشد.

سؤال هفتم پژوهش درباره میزان همخوانی میان فهرست مندرجات و کلیدواژه‌های عنوان کتابهای فارسی در حوزه‌های مورد بررسی بوده است. داده‌های جدولهای ۱۱ و ۱۲ بیانگر وجود و نبود تفاوت معنادار در هر یک از حوزه‌های موضوعی است.

جدول ۱۱. میزان همخوانی میان کلیدواژه‌های عنوان

و فهرست مندرجات کتابهای فارسی در حوزه‌های مورد بررسی

P	df	Chi	جمع	همخوانی نسبی (از چندی از کلیدواژه در فهرست)	همخوانی نسبی (با یک یا دو واژه اصطلاح)	همخوانی کامل (کمتر از ۵ تکرار)	همخوانی کامل (بیش از ۵ تکرار)	
۰/۰۰۰	۳	۳۹/۲۰۰	۱۸۰	۵۰ (%۷۸/۷۸)	۴ (%۲/۲۲)	۸۲ (%۶۵/۵۳۶)	۴۴ (%۲۳/۴۴)	علوم اجتماعی
۰/۰۰۰	۳	۵۸/۸۰۲	۲۰۹	۲۳ (%۱۱)	۱۴ (%۶/۷)	۱۱۶ (%۵۵/۵)	۵۶ (%۲۶/۸)	علوم انسانی
۰/۰۰۰	۳	۶۶/۲۹۳	۸۹	۱۸ (%۲۰/۲۲)	۱ (%۱/۱۲)	۵۱ (%۵۷/۳۱)	۱۹ (%۲۱/۳۵)	علوم محض
۰/۰۰۰	۳	۳۲/۴۰۰	۱۱۴	۳۲ (%۲۸/۰۷)	۲ (%۱/۷۵)	۳۳ (%۲۸/۹۵)	۴۷ (%۴۱/۲۳)	علوم کاربردی

نتایج، مبین وجود تفاوت معنادار قوی میان انواع همخوانی کامل و نسبی در هر حوزه موضوعی است. در سه حوزه موضوعی علوم اجتماعی، علوم انسانی و علوم کاربردی، همخوانی کامل کلیدواژه‌های عنوان با فهرست مندرجات با کمتر از ۵ تکرار در اولویت اول قرار دارد و با توجه به اینکه پس از همخوانی کامل با کمتر از ۵ تکرار، همخوانی کامل کلیدواژه‌ها با بیش از ۵ تکرار در فهرست مندرجات، رتبه بعدی را در سه حوزه علوم انسانی و علوم محض کسب می‌کند، می‌توان بیان داشت چنانچه صرف تکرار کلیدواژه‌های عنوان در فهرست مندرجات کتاب نشانه‌ای از محتوانمایی عنوان باشد، میزان محتوانمایی عنوان و کلیدواژه‌های به کار رفته در آنها در این سه حوزه موضوعی در سطح مطلوبی قرار دارد.

نبود همخوانی میان کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتابها دو حالت دارد؛ یا کلیدواژه عنوان در فهرست مندرجات وجود ندارد و از طرفی با محتوای کتاب هم ارتباط مستقیمی ندارد و یا کلیدواژه استخراج شده در فهرست مندرجات وجود ندارد اما در پیوند مستقیم با محتوای کتاب است. جدول شماره ۱۲، چگونگی میزان نبود همخوانی در هریک از حوزه‌های موضوعی را بررسی و نشان می‌دهد.

جدول ۱۲. میزان نبود همخوانی کلیدواژه‌های عنوان کتابهای فارسی با فهرست مندرجات آنها در حوزه‌های موضوعی مورد بررسی

P	df	Chi	جمع	نبود همخوانی (غیرمحتوانما)	نبود همخوانی (محتوانما)	
۰/۰۰۰	۱	۲۹/۹۵۰	۸۰	۱۸ (%۲۲/۵)	۶۲ (%۷۷/۵)	علوم اجتماعی
۰/۰۰۰	۱	۶۷/۲۴۰	۱۰۵	۹ (%۸/۵۷)	۹۶ (%۹۱/۴۳)	علوم انسانی
۰/۰۰۰	۱	۳۳/۶۴۰	۱۰۳	۲۲ (%۲۱/۳۳)	۸۱ (%۷۸/۶۴)	علوم محض
۰/۰۰۰	۱	۵۱/۸۴۰	۵۶	۸ (%۱۴/۲۹)	۴۸ (%۸۵/۷۱)	علوم کاربردی

_____ بررسی میزان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی با ... / ۷۷

با توجه به وجود تفاوت معنادار میان انواع نبود همخوانی در تمام حوزه‌های مورد بررسی از یک سو و نیز نظر به اینکه در هر چهار حوزه موضوعی مشخصاً نبود همخوانی در حالت محتواها بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است، در نهایت با توجه به داده‌های جدول حاضر و جدول ۱۱، می‌توان چنین بیان داشت که به طور کلی محتوایی عنوان، چه در قالب نبود همخوانی واژگانی و چه در قالب همخوانی های کامل و نسبی - در تمامی حوزه‌های موضوعی بیش از ۸۰٪ بوده و مطلوبیت مناسبی دارند.

به منظور بررسی کلی چگونگی همخوانی واژگانی و نبود همخوانی واژگانی در هر حوزه موضوعی، فراوانی کلیه همخوانی های نسبی و کامل از یک سو و فراوانی کلیه نبود همخوانی های محتواها و غیر محتواها از سوی دیگر، در جدول ۱۳ ارائه می‌شود.

جدول ۱۳. چگونگی همخوانی میان کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتابها در حوزه‌های موضوعی مورد بررسی

	همخوانی کامل	همخوانی نسبی	نبود همخوانی (محتوایی)	نبود همخوانی (واژگانی)	جمع	Chi	df	P
علوم اجتماعی	۱۲۶ (%۴۸/۵)	۵۴ (%۲۰/۸)	۶۲ (%۲۳/۸)	۱۸ (%۶/۹)	۲۶۰	۳۶/۳۰۷	۳	۰/۰۰۰
علوم انسانی	۱۷۲ (%۵۴/۸)	۳۷ (%۱۱/۷)	۹۶ (%۳۰/۶)	۹ (%۲/۹)	۳۱۴	۶۲/۹۲۱	۳	۰/۰۰۰
علوم محض	۷۰ (%۳۶/۵)	۱۹ (%۹/۸)	۸۱ (%۴۲/۲)	۲۲ (%۱۱/۵)	۱۹۲	۳۲/۷۴۳	۳	۰/۰۰۰
علوم کاربردی	۸۰ (%۴۷/۱)	۳۴ (%۲۰)	۴۸ (%۲۸/۲)	۸ (%۴/۷)	۱۷۲	۳۶/۷۲۰	۳	۰/۰۰۰

نتایج حاصل از آزمون بررسی تفاوت معنادار میان هر یک از وضعیتهای همخوانی میان کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات در هر یک از چهار حوزه موضوعی مورد بررسی، نشانگر وجود تفاوت معنادار قوی است. در این میان، همخوانی کامل یعنی شرایطی که کلیدواژه موجود در عنوان کتاب دقیقاً در فهرست مندرجات نیز تکرار شود،

بیشترین نسبت را به خود اختصاص می‌دهد. در اولویت دوم، نبود همخوانی محتوا قرار می‌گیرد. این بدان معناست که در حوزه‌های موضوعی مختلف، پس از همخوانی کامل، با وجود اینکه بسیاری از کلیدواژه‌های عنوان در فهرست مندرجات مطرح نمی‌شوند، کلیدواژه‌ها محتوانمایی مناسبی دارند.

نتیجه‌گیری

بررسی و مقایسه وضعیت همخوانی سرعنوانهای موضوعی در شرایط فعلی با کلیدواژه‌های عنوان و فهرست مندرجات کتابهای فارسی، می‌تواند بیانگر میزان همخوانی اصطلاحات پذیرفته شده و ارجاعات آنها با واحدهایی مفهومی باشد که در متون به کار می‌روند. بیشتر بودن میزان این همخوانی‌ها در هر یک از حوزه‌های موضوعی علوم اجتماعی، علوم انسانی، علوم محض و علوم کاربردی، بیانگر پابندی هر چه بیشتر تدوین کنندگان سرعنوانهای موضوعی فارسی به اصل ضمانت ادبی است.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، میزان توجه به کلیدواژه‌های عنوان، با وجود اینکه شرایط همخوانی مناسب را کسب می‌کنند، بخصوص در حوزه علوم کاربردی مطلوب نیست. بنابراین، به منظور بهبود وضعیت اجرای اصل ضمانت ادبی در تدوین سرعنوانهای موضوعی فارسی، لزوم توجه بیشتر به کلیدواژه‌های عنوان در کلیه حوزه‌های موضوعی بویژه علوم محض و علوم کاربردی، ضروری است.

همچنین، با استناد به همین داده‌ها می‌توان بیان داشت در تدوین سرعنوانهای موضوعی فارسی، توجه بیشتر به کلیدواژه‌های فهرست مندرجات که در پیوند مستقیم با محتوای کتابها هستند نیز، بخصوص در دو حوزه علوم محض و علوم کاربردی که میزان همخوانی‌های محاسبه شده در آنها از همخوانی مناسب پایین‌تر است، لازم به نظر می‌رسد. با توجه به یافته‌های پژوهش و نبود همخوانی مناسب بویژه در حوزه علوم کاربردی که بیشترین میزان نبود همخوانی‌ها را نیز به خود اختصاص می‌داد، باید بیان داشت، توجه

_____ بررسی میزان همخوانی سرعنوانهای موضوعی فارسی با ... / ۷۹
بیشتر به اصل ضمانت ادبی در تدوین سرعنوانهای موضوعی فارسی در این حوزه
لازم الاجراست.

منابع

بزرگی، اشرف السادات (۱۳۷۰). «بررسی میزان سازگاری موضوعها و عنوانها در
کتابهای فارسی». فصلنامه کتاب. دوره ۲، بهار - زمستان، ۱۴۵ - ۱۱۴.

----- (۱۳۷۷). بررسی میزان سازگاری عنوانها و موضوعهای کتابهای
فارسی منتشر شده در ایران در فاصله سالهای ۱۳۶۵ - ۱۳۷۵. پایان نامه دکتری. تهران:
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

شاپوری، سودابه (۱۳۷۹). بررسی مشکلات جستجوی موضوعی استفاده کنندگان
رایانه ای کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد. مشهد:
دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

مک ایوان، اندرو (۱۳۷۹). استفاده از سرعنوانهای موضوعی کتابخانه کنگره: هزینه
همکاری برای رسیدن به دسترس پذیری. ترجمه مجتبی اسدی. گزیده مقالات ایفلا ۹۸
(آمستردام: ۱۶ - ۲۱ اوت ۱۹۹۸) (ص. ۴۷ - ۵۹). تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی
ایران.

Christ, John M. (1972). A Comparison of Sociology Terms with
Library Subject Headings. *Concepts and Subject Headings* (PP. 93 –
123). Metuchen: Scarecrow.

Frost, Carolyn O. (1989). Title words as entry vocabulary to
LCSH: correlation between assigned LCSH terms and derived terms
from titles in bibliographic records with implications for subject
access in online catalogs. *Cataloging & Classification Quarterly*. 10
(1/2), 165-179.

Gross, Tina & Taylor, Arlene G. (2005). What Have We Got to Lose? The Effect of Controlled Vocabulary on Keyword Searching Results. *College & Research Libraries*. Vol. 66(3), 212 – 230. Retrieved August 2, 2006, From <www.ala.org/ala/acrl/acrlpubs/crljournal/backissues2005a/crlmay05/Gross.pdf>

Keller, Barbara (1992). Subject Content through Title: A Master Matching Study in Indian State University. *Cataloging and Classification Quarterly*. 15(3), 69 – 80.

Mc Clellan, Edna (2003). " Subject headings for OCLC Rare book Records: A Case Study". *OCLC Systems and Services*. 19(3), 100 – 105. Retrieved August 2, 2006 From EMERALD database.

Wildermuth, Barbara M. (2004). The Effects of Domain Knowledge on Search Tactic Formulation. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*. 55(3), 246 – 258.

Winke, Conrad (1998). An Analysis of Tables of Contents in Recent English – Language Books. *Library Resources & Technical Services*. Vol. 43(1), 15 – 27.